

بیشتر در مورد پرونده‌ها؛ کیفری مطرح می‌شود و به دو صورت دائم (که مال از ملکیت فرد خارج می‌شود) و موقت (که امکان بازگرداندن مال به فرد وجود دارد) صورت می‌گیرد. به عنوان مثال طبق ماده ۲۲۴ ی قانون آیین دادرسی کیفری؛ در صورت احضار متهم و عدم حضور او بدون عذر موجه و عدم معرفی وی از ناحیه کیفری یا وثیقه‌گذار، وجه‌الکفاله؛ وصول یا وثیقه طبق مقررات این قانون ضبط می‌شود.

۳. مصادره؛ اموال

از منظر حقوقی همان ضبط اموال است، ولی مصادره برخلاف ضبط که در برخی موارد به عنوان تأمین (مانند قرار وجه‌الکفاله یا وثیقه) به کار می‌رود، به عنوان مجازات در نظر گرفته شده است و طی آن مال به صورت دائم و برای همیشه از ملکیت فرد خارج می‌شود. از دیگر تفاوت‌های این موارد می‌توان به مرجع رسیدگی اشاره نمود. مصادره حسب مورد در دادگاه کیفری یک یا دادگاه انقلاب رسیدگی می‌شود.

به نوشته‌ها؛ در صورت وجود متن صریح قانون مبنی بر استیلاء دولت بر اموال، مصادره انجام می‌گیرد که در ادامه به موادی از آن اشاره خواهیم کرد. براساس اصل ۴۹ قانون اساسی؛ دولت موظف است تا ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله‌ی دولت اجرا شود.

با توجه به این اصل از قانون اساسی، هر مالی که به صورت نامشروع و نادرست تحصیل شده باشد، در شمول آن قرار می‌گیرد؛ به عنوان مثال تمامی دارایی‌ها و ثروت‌هایی که از طریق قاچاق، اختکار (به معنای محصور کردن اموال و عرضه نکردن آن در بازار جهت کمیاب شدن و افزایش قیمت محصول)، اختلاس و به دست آمده باشد و حتی تمامی اموال اشخاصی که به عنوان محارب (کسی است که به قصد ارباب مردم موجب ناامنی در محیط شود یا قصد براندازی و مقابله با حکومت را داشته باشد) شناخته شوند، به وسیله‌ی حکم دادگاه ضبط و مصادره می‌گردد و به بیت‌المال تعلق می‌گیرد.

تبصره ۱ ماده ۷۰۳ ی قانون مجازات اعلام می‌دارد که هرگاه مقدار مشروبات الکلی مکشوفه بیش از بیست لیتر باشد، وسایلی که برای حمل آن مورد استفاده قرار می‌گیرند، چنانچه با اطلاع مالک باشد به نفع دولت ضبط خواهند شد، در غیر این صورت مرتکب، به پرداخت معادل قیمت وسیله‌ی نقلیه نیز محکوم خواهد شد. همچنین ماده ۷۰۹ ی قانون مذکور در این خصوص اظهار می‌دارد که تمام اسباب و نقود متعلق به قمار حسب مورد معدوم یا به عنوان جریمه ضبط می‌شوند؛ در این موارد با توجه به آیین‌نامه‌ی اصل ۴۹ قانون اساسی، مالک این اموال یا ورثه و وکیل او می‌تواند با مراجعه به دادگاه و پرداخت وجوهی که دادگاه برای وی مشخص کرده است از توقیف اموال جلوگیری کند.

شرایط مصادره اموال

ماده ۲۱۵ ی قانون مجازات اسلامی عنوان می‌دارد که بازپرس یا دادستان باید در صورت صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب، تکلیف اشیا و اموال کشف‌شده را که دلیل یا وسیله‌ی ارتکاب جرم بوده‌اند یا از جرم تحصیل‌شده‌اند یا حین ارتکاب، استعمال یا برای استعمال اختصاص داده شده‌اند، تعیین کند تا حسب مورد، مسترد، ضبط یا معدوم شوند. دادگاه تکلیف اموال و اشیا را تعیین می‌کند؛ با عنایت به مفاد ماده‌ی فوق، اموال حاصل از جرم طبق حکم دادگاه تعیین تکلیف می‌شوند تا به نفع دولت ضبط شوند یا در صورتی که آن اشیا در دادرسی لازم نباشند یا جزو اموال بلامعارض (اموالی که شخص دیگری نسبت به آن حقی برای خود قائل نباشد و کسی غیر از مرتکب جرم ادعای مالکیت بر آن نداشته باشد) باشند، به مالک آن مسترد شوند یا معدوم گردند. (به عنوان مثال مواد مخدر، مشروبات الکلی و معدوم می‌شوند).

براساس تبصره ۲ ماده ۲۰۰ فوق‌الذکر؛ مالی که نگهداری آن مستلزم هزینه‌های نامتناسب برای دولت است یا موجب خرابی یا کسر فاحش قیمت آن می‌گردد و حفظ مال هم برای دادرسی لازم نیست و همچنین اموال ضایع و شدنی و سریع‌الفساد، حسب مورد به دستور دادستان یا دادگاه به قیمت روز فروخته می‌شود و وجه حاصل تا تعیین تکلیف نهایی در صندوق دادگستری به‌عنوان امانت نگهداری می‌شود؛

بنابراین پس از حکم دادگاه مبنی بر مصادره، اموال محکوم، به تملک (مالکیت) نهاد مربوطه و ذی‌نفع در هر مورد درمی‌آید و اسناد سابق ابطال و سند مالکیت جدیدی به نام آن نهاد صادر می‌شود. همان‌طور که در بالا اشاره شد، مصادره به موجب حکم دادگاه یا تنها نسبت به بخشی از اموال حاصل از جرم می‌باشد یا درمورد تمامی اموال فرد صدق می‌کند که در این مورد باید به مستثنیات دین توجه کرد که طبق ماده ۴۴۴ قانون تجارت عبارتند از:

البسه و اثاثیه و اسبابی که برای حوائج ضروری لازم است؛
اشیائی که ممکن است قریباً ضایع شوند یا کسر قیمت حاصل نمایند

لازم به توضیح است که رسیدگی به جرایم اصل ۴۹ قانون اساسی که منجر به مصادره اموال می‌گردد، در دادگاه‌های انقلاب رسیدگی می‌شوند که مرجع تجدید نظر آن دیوان عالی کشور می‌باشد؛ ولی رسیدگی به سایر موارد مصادره با توجه به موضوع آن در دادگاه‌های عمومی صورت می‌پذیرد.

لذا با عنایت به مطالب مزبور، مصادره اموال با توجه به قانون، به‌عنوان حکم و مجازات کیفری به معنای استیلاء (تسلط) دولت بر تمام یا قسمتی از دارایی موجود محکوم‌علیه (کسی که حکم علیه او می‌باشد) و اموالش ضبط می‌گردد) به موجب حکم دادگاه و تعلق این اموال به بیت‌المال جهت مصارف عمومی می‌باشد.